

## بررسی مقایسه ای جایگاه لذت در نظریه سعادت سن توماس و ملاصدرا

سید جواد میری \*

سید محمد جواد بنی سعید لنگرودی \*\*

امیر عباس علیزمانی \*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۱۴

DOI: 10.22096/ek.2020.118572.1190

### چکیده

از جمله موضوعاتی که فلاسفه اهتمام زیادی به آن داشته‌اند، چیستی سعادت انسان و نسبت لذت با آن است. سن توماس اکویناس در سنت فلسفه مسیحی و صدرالمتألهین شیرازی در سنت فلسفه اسلامی به این موضوع پرداخته‌اند و باورمندند، هرگاه انسان در خصیصه خود که قوه عقل است به فعلیت کامل رسید و عالی‌ترین معقول را تعقل کرد به سعادت رسیده است و از آنجا که لذت را ادراک و نیل به چیزی که ملایم قوا است می‌دانند، طبیعتاً عالی‌ترین و تام‌ترین لذت را هم خواهد داشت؛ ولی سن توماس لذت را از لوازم آن ادراک می‌داند و ملاصدرا قائل به عینیت آن است. به تعبیر دیگر، در نگاه ملاصدرا نفس ادراک تام و لذت تام یک حقیقت واحداند که به دو اعتبار دو نام دارند و در

—دانشیار پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. «نویسنده مسئول»

Email: mali.esm91@yahoo.com

— دانشجوی دکتری فلسفه تطبیقی، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: m.313akbari@gmail.com

— دانشیار گروه فلسفه دین، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: amir\_alizamani@ut.ac.ir



نگاه سن توماس دو حقیقت‌اند که یکی از مقوله فعل است و دیگری از مقوله انفعال و لذت به‌عنوان  
عرض خاص سعادت معرفی می‌شود.

واژگان کلیدی: سعادت؛ لذت؛ ادراک؛ سن توماس؛ ملاصدرا.

